



بررسی فقهی تکالیف معذورین در حج*

علیرضا فلاحی اخلمد^۱

دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Email: afakhlamad@gmail.com

دکتر حسین احمدی

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Email: ahmari.hosein@yahoo.com

چکیده

در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و به هدف تحلیل برخی از مسائل فقهی معذورین حج شامل: وقوف اضطراری بانوان، قربانی کردن، انجام اعمال بعد از منا، بخشی از مناسک زنان در ایام عادت و مسائل اشخاص مریض و سالخورده، آرا و ادله فقها را در دو مقام یکی از جهت تفاوت بین نیابت تبرعی و نیابت استیجاری و دیگری از جهت عذر طاری و غیرعذر طاری مورد مذاقه قرار داده ایم؛ به فتوای امام خمینی و جمعی دیگر از فقها، چنانچه فرد از ابتدا معذور نباشد و در هنگام عمل عذری برایش پیش آید، نیابت گرفتن از او صحیح نیست؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی.

همچنین گرفتن نایب برای معذورین را دو مقام بررسی کرده ایم: نخست از جهت جواز عمل و صحت حجی که نایب انجام می دهد و دوم از جهت استحقاق اجرت و حق العمل نایب. اکثر فقها معتقدند اگر کسی حجی به نحو واجب مضیق بر ذمه داشته باشد، نمی تواند نایب دیگری شود و اگر مرتکب چنین عملی شود، حج او باطل است؛ ولی در صورتی که از انجام حج خود ناتوان باشد و یا حج نذری و حج اجاره ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، اختلافی بین فقها نیست که شخص می تواند نیابت شخص دیگر را بر عهده بگیرد. فقهای معاصر بر خلاف فقهای گذشته، بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفاوت قائل شده و درباره عذر غیرطاری گفته اند: اگر کسی معذور از انجام اعمال حج باشد، نمی تواند نایب کسی در حج شود و اگر نیابت کند اکتفا به حج وی مشکل است و معجزی از منوب عنه نیست، ولی درباره عذر طاری، نظر واحدی بین آنان نیست.

کلیدواژه ها: حج، معذورین حج، تکالیف معذورین در حج، نیابت تبرعی، نیابت استیجاری،

عذرطاری، عذرغیرطاری.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۴/۰۹، تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۷/۱۸.

۱. نویسنده مسئول

Jurisprudential Study of the Excused Pilgrims' Duties in Hajj

Alireza Fallahi Akhlamad, Ph.D. Student of Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

Hossein Ahmari, Ph.D. Associate Professor, Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Abstract

In this research, through a descriptive-analytical method, with the purpose of analyzing a number of jurisprudential issues concerning the excused pilgrims of Hajj including the women's emergency staying, scarification, performing the acts after Mina, a part of women's rituals during the menstrual cycle and the issues related to the sick and elderly pilgrims, the authors have scrutinized the Islamic jurists' opinions and proofs from two aspects: the difference between gratuitous and paid representation; and the ancillary and principal excuses. According to Imam Khomeini and some other jurists' fatwas, in case the pilgrim is not excused from the beginning and an excuse happens to him/her while performing the act, appointing an agent for him/her is not valid, either gratuitously or for reward. Likewise, appointing agents for the excused pilgrims has been studied from two perspectives: first, from the viewpoint of the permissibility of the act and the validity of the Hajj performed by the agent and second, from the viewpoint of the agent's entitlement to remuneration and commission. The majority of Islamic jurists believe that if an individual is bound to perform Hajj as a strict duty, he/she may not become another's agent, otherwise, his/her Hajj is invalid; but if he/she is unable to perform his/her own Hajj or his/her Hajj of Nazr or Istijari Hajj (Hajj by hire) is not limited to the same year, there is no difference of opinion among the Islamic jurists that the individual may not act on behalf of another. Unlike the past Islamic jurists, the contemporary jurists distinguish between ancillary and principal excuses and as far as principal excuse is concerned, they maintain that: if an individual is excused from performing Hajj acts, he may not act on another's behalf; otherwise, it is difficult to be satisfied by his Hajj and it does not release the principal duty-bound, but there is no single opinion among them regarding the ancillary excuse.

Keywords: Hajj, the excused pilgrims of Hajj, duties of the excused pilgrims of Hajj, gratuitous agency, agency for reward, ancillary excuse, principal excuse.

مقدمه

حج یک عمل دینی است که قرآن کریم در مورد ابعاد و مسائل مختلف آن سخن گفته و در این پژوهش در مورد معذورین حج از جمله وقوف اضطراری برای بانوان، قربانگاه، اعمال بعد از منا و افراد مریض، بیمار و کهنسال بحث می‌شود و وظایف معذورین از دیدگاه دیگران روایات و اقوال فقها و نظرات مفسران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

معذورین حج

معذورین حج چه کسانی هستند؟ از نظر احکام فقهی، وظیفه همه افراد مشخص شده و همه می‌توانند به راحتی به وظیفه خود عمل کنند و هیچ کس با اعمال ناقص یا باطل (به خواست خداوند) از این دیار نخواهد رفت. به عنوان مثال به چند مورد از معذورین حج اشاره می‌شود:

وقوف اضطراری برای بانوان

بانوان و افراد ناتوان می‌توانند شب عید قربان، پس از آن که مقداری بعد از نصف شب در مشعرالحرام مانند، به منا بروند، و این همان وقوف اضطراری مشعرالحرام است. البته غیر از بانوان، کسانی که نمی‌توانند روز رمی کنند، اشکال ندارد رمی را در شب انجام دهند، و باید توجه داشت که رمی در شب برای بانوان (بطور مطلق) اختصاص به رمی روز عید قربان دارد، ولی نسبت به روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه تنها بانوانی که نمی‌توانند در روز رمی کنند، رمی شبانه برای آنها جایز است ولی کسانی که بتوانند در روز خودشان انجام دهند، نمی‌توانند شب رمی کنند. رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان (بانوان) در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.

قربانگاه

یکی از اعمال روز عید و از جمله حساس‌ترین اعمال حج «قربانی» است. در سال‌های اخیر تمام افراد نمی‌توانند به قربانگاه بروند، چون بانوان را مطلقاً به قربانگاه راه نمی‌دهند، و بسیاری نیز توان این کار را ندارند، بنابراین لازم است کسانی قربانی را از طرف آنها انجام دهند تا اعمال روز عید قربان به تأخیر نیفتد و کسانی که از طرف سایرین به قربانگاه می‌روند به نکات ذیل توجه داشته باشند:

۱- حتماً از کسانی که بناست برایشان قربانی را انجام دهند، نیابت بگیرند و صرف این که او هم باید قربانی کند و خوشحال می‌شود، کافی نیست.

۲- در انتخاب گوسفندان دقت کنید که دارای شرایط لازم باشد و مهم‌ترین شرایط لاغر نبودن و ناقص

نبودن حیوان است.

۳- در ذبح حیوان نیت و قصد نیابت و جهت قبله و گفتن «بسم الله...» فراموش نشود.

۴- چون به فتوای برخی از فقها؛ از جمله امام خمینی ذبح با چاقوی استیل صحیح نیست، چاقویی که مورد استفاده قرار می‌گیرد آهن باشد.

۵- به فتوای امام خمینی ذابح حیوان باید مؤمن باشد، لذا این مسئله هم مورد توجه قرار گیرد.

اعمال مکه یا اعمال بعد از منا

اعمال بعد از منا تا آخر ذی الحجّه وقت دارد. بنابراین کسانی که از انجام اعمال معذورند و در شلوغی نمی‌توانند اعمال را بجا آورند، صبر می‌کنند تا پس از گذشت چند روز خلوت شده و اعمال را بجا می‌آورند. ولی باید توجه داشت: تا وقتی که طواف حج و سعی را بجا نیاورده‌اند، بوی خوش همچنان حرام است و تا وقتی که طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورده باشد، زن و مرد به یکدیگر حرام هستند.

خانمهایی که در ایام عادت هستند

اگر عادت ماهیانه پیش از وقوف عرفات رخ دهد، چنانچه وقت باشد به گونه‌ای که زن پیش از وقوف یعنی پیش از روز نهم پاک شود، باید صبر کند و چون پاک می‌شود، باید طوافش را انجام دهد. اما اگر عادت او به گونه‌ای است که پیش از وقوف عرفات پایان نمی‌یابد، حج او به حج مبطل می‌شود و باید در همان حال به عرفات و مشعر و سپس به منا برود و تمام مناسک را به جای آورد و البته برای طواف حج باید صبر کند تا پاک شود. وقت طواف حج، تا آخر ذی‌الحجّه است. پس از آن که اعمال حج افراد را به پایان می‌برد، باید یک عمره مفرده به جای آورد. اما چنانچه پس از آن برای طواف از منا باز می‌گردد، عادت ماهیانه پیش آید، چنانچه برایش ممکن است که پس از پاک شدن اعمال باقی مانده را انجام دهد، باید صبر کند و پس از پاکی، طوافش را انجام دهد؛ اما اگر کاروان برای حرکت شتاب دارد و او نمی‌تواند در مکه بماند، باید برای طواف و نماز آن نایب گیرد و پس از آن که نایب از طواف و نماز فارغ می‌شود، خود زن در همان حال، سعی صفا و مروه را انجام دهد و دوباره برای طواف نساء و نماز آن نایب گیرد. پس از آن که نایب از طواف و نماز آن فارغ می‌شود، زن از احرام خارج می‌گردد و حجش به پایان می‌رسد.

بیماران و مجروحان

دیگر افرادی که ممکن است برای معذوریت طواف پیش آید وقوع حوادث و بیماری است که ممکن است به حدی باشد که فرد نتواند اعمال حج را انجام دهد.

همان طور که تشریح کردیم برای معذورین می‌شود موارد متعددی را تصور کرد؛ از جمله، کسانی که خدمات زائران را برعهده دارند؛ مانند مدیر و یا معاون کاروان که به خاطر همراهی زنان و معذورین در شب دهم ذیحجه برای رفتن به منا و رمی جمره عقبه، نمی‌توانند وقوف اختیاری مشعرالحرام را درک نمایند یا کسانی که بیمار می‌شوند و در عسر و حرج قرار می‌گیرند و... این مسئله از دو جهت می‌تواند مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا وظیفه معذورین انجام طواف مباشری است و لو با اطافه (طواف دادن) دیگری یا طواف نیایی نیز مجزی است؟ به عبارتی دیگر، آیا بر آنها واجب است در صورت تمکن، به گونه تعیینی، که خود مستقیماً طواف را - و لو با استفاده از ابزاری چون ویلچر - انجام دهند؟ یا این که به سبیل تخییر می‌تواند کسی را نایب خود قرار دهد تا به نیابت از او طواف بگذارد؟ برای پاسخ به این سؤال نظرات و ادله فقهای عظام را در دو مقام (نخست، از جهت تفاوت بین نیابت تبرعی و نیابت استیجاری و دوم، از جهت عذر قبلی و عذر طاری) پی می‌گیریم. قبل از بیان تفاوت نیابت تبرعی و استیجاری به تعریف نیابت و شرایط آن می‌پردازیم:

هر مکلف عاقل و بالغ پس از اینکه برای رفتن به حج، مستطیع شد، حج بر او مستقر می‌شود. یعنی باید مقدمات سفر حج را فراهم نماید. و کسانی که حج بر آنان واجب شده، ولی به حج نرفته‌اند و به سبب بیماری شدید یا پیری امیدی ندارند که خود، حج را به جا آورند، می‌توانند انجام مناسک حج را از جانب خود به نایبی واگذار کنند (خلخالی، ۹/۲). نایب گرفتن برای حج در قالب عقد اجاره یا جعاله صورت می‌گیرد (زحیلی، ۴۱/۳ - ۴۵). کسی که در حج نیابت می‌پذیرد، باید دارای شرایطی باشد که از جمله آنها:

۱- واجب نبودن حج بر نایب ۲- آشنایی به افعال و احکام حج (هر چند با ارشاد کسی در هنگام عمل)، ۳- معذور نبودن در ترک برخی از افعال حج (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۳۱۲/۴) بنابراین، افرادی که حج واجب خود را بجا نیاورده‌اند و مستطیع هستند، نمی‌توانند نیابت بپذیرند و کسانی که از انجام دادن کامل اعمال حج، معذور باشند، و از ابتدا می‌دانند که باید وظیفه معذور را انجام دهند، نمی‌توانند نیابت بپذیرند، مانند آن عده از خدمه کاروان که شب عید قربان با انجام دادن وقوف اضطراری مشعر، همراه با بانوان به منی می‌روند.

به فتوای امام خمینی و برخی از فقها، اگر از ابتدا هم معذور نباشد و در هنگام عمل عذری برایش پیش آید، نیابت او صحیح نیست، بنابراین بهتر است که مدیران، معاونان و خدمه کاروانها نیابت نپذیرند، چون هر لحظه ممکن است به هنگام انجام اعمال مشکلی برای کاروان پیش آید که بناچار باید اعمال معذور را انجام دهند، پس در صورتی که یکی از خدمه، نیابت پذیرفته باشد، بهتر است به اطلاع مدیر کاروان

برسانند، تا در هنگام اعمال و پذیرفتن کارهای اجرایی کاروان به مشکل برنخورد.

تفاوت نیابت تبرعی و نیابت استیجاری

در این بحث، نظر مشهور فقها این است که نیابت حج، استیجاری باشد یا تبرعی، اگر به وسیله شخص معذور انجام گیرد، جایز نبوده و مجزی از منوب عنه نمی‌باشد (یزدی، ۳۲۳/۲؛ آملی، ۲۱۳/۱۲؛ حکیم، ۱۹/۱۱؛ خونی، معتمد العروة الوثقی، ۳۸/۲؛ امام خمینی، ۳۳۵/۱؛ تبریزی، صراط النجاة، ۴/۴۵؛ فاضل لنکرانی، ۲۸/۲). دلیل این نظریه، نیابت در اعمال عبادی خلاف اصل است، مگر آنکه دلیلی برای آن اقامه شود. در باب حج و عمره، دلیل خاصی برای نیابت در برخی از صور آن‌ها وجود دارد و بدین جهت حکم به جواز نیابت در آن صور گردیده و آن ادله انصراف دارند به نیابت شخصی که قادر به انجام حج و عمره باشد و شامل شخص معذور نمی‌شوند و درباره معذور، ناگزیر باید به اصل مراجعه کنیم و اصل در چنین مواردی عدم جواز است. خونی در این باره می‌گوید:

«لِعَدَمِ الدَّلِيلِ عَلَى جَوَازِ اسْتِنَابَةِ الْمَعْذُورِ وَ جَوَازِ الْإِكْتِفَاءِ بِالنَّاقِصِ بَعْدَ فَرَضِ تَمَكُّنِهِ مِنْ اسْتِنَابَةِ الْقَادِرِ» (خونی، معتمد العروة الوثقی، ۳۷/۲). بنابراین، اگر شخص ناقص حتی به صورت تبرعی، حج منوب عنه را انجام دهد، موجب فراغ ذمه وی نمی‌گردد؛ زیرا آنچه که بر وی واجب بوده، عبارت است از حجتی که تام و کامل باشد. مواردی هست که اگر منوب عنه واجباتی را در حج مباشری خود ترک می‌کرد، زیانی متوجه حج او نمی‌شد و حجتش صحیح و مجزی بود، حال اگر نایب در انجام همان واجبات، عذری داشت، شاید بتوان گفت که نیابت وی صحیح و مجزی از منوب عنه است؛ زیرا همانطور که خود منوب عنه اگر چنین مشکلی داشت و حج خود را انجام می‌داد، از وی مجزی و مقبول بود. نایب نیز که قائم مقام وی است، همان حکم را دارا است. مگر این که منوب عنه انجام آنها را به صورت مباشری وصیت کرده و یا در قرارداد استیجار شرط شده باشد، در این صورت اشکال در جای خود باقی است. همچنین در صورت انجام تبرعی، اگر متبرع قادری نباشد که منوب عنه را بریء الذمه نماید، جواز نیابت متبرع معذور ممکن خواهد بود (صافی گلپایگانی، ۱۱۵/۲). ممکن است دلیل این تفصیل آن باشد که در صورت نبودن شخص قادر، امر دایر باشد بین این که حج متوفاً اصلاً قضا نشود یا اینکه توسط عاجز و ناقص انجام شود؛ طبعاً دومی دارای ترجیح است (آملی، ۱۲۰/۱۲؛ حکیم، ۸۹/۱).

به نظر می‌آید ترجیح با گفتار مشهور فقها باشد؛ زیرا ادله جواز نیابت، انصراف دارد به نیابت شخصی که قادر به انجام حج باشد و شامل شخص معذور (اعم از تبرعی و استیجاری) نمی‌گردند و متبادر از نیابت برای منوب عنه، نیابت شخص قادری است که اعمال حج را با تمام اجزاء و شرایطش برای منوب عنه

بعجا آورد. برخی از فقها گفته‌اند: همان طور که خود منوب عنه اگر واجباتی را ترک می‌کرد مانعی نداشت، برای نایب نیز بلامانع است. لیکن برای این نظریه وجهی لحاظ نمی‌گردد؛ زیرا گرچه افعال و اعمال خود مکلف و نایب در حج یکی است، اما از جهت عامل، هر کدام حکم خود را دارند. ممکن است عذری برای خود مکلف معفو عنه باشد ولی برای نایب نباشد. به هر روی، نیابت خلاف اصل است، مگر آن که دلیلی برای آن پیدا شود. برای جواز نیابت معذور دلیلی وجود ندارد (عاملی، ۱۴۱/۷؛ صاحب جواهر، ۷/۲۱۶ و ۳۹۳؛ محقق کرکی، ۱۱۷/۳). همچنین گفته‌اند:

در صورت نبودن غیر معذور، نیابت مبرع معذور جایز است، به نظر می‌رسد این نیز مورد نداشته باشد؛ زیرا شخص مبرع تکلیفی نسبت به منوب عنه ندارد تا بگوییم که اگر غیر معذور پیدا نشد، بر معذور جایز باشد که حج منوب عنه را انجام دهد. در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت منوب عنه را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی (حرّ عاملی، ۲۴۷/۹؛ شهید ثانی، ۹۸/۲؛ صاحب جواهر، ۱۹۸/۷).

گرفتن نایب برای معذورین در دو مقام قابل بحث و بررسی است: اول از جهت جواز عمل و صحت حجی که نایب انجام می‌دهد. دوم از جهت استحقاق اجرت و حق‌العملی که نایب از منوب عنه و یا از وصی و یا وارث او می‌گیرد.

جواز عمل و صحت حج

در این مطلب، سه نظریه از فقهای عظام شیعه نقل شده است: اکثر قریب به اتفاق فقها معتقدند اگر کسی حج واجب مضیق (به همان سال) بردمه داشته باشد، نمی‌تواند نایب دیگری شود و اگر مرتکب چنین عملی شود، حج او باطل است (محقق حلّی، ۱/۱۶۸؛ علامه حلّی، مختلف الشیعه، ۴/۳۴۱؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام، ۲/۱۵۳؛ صاحب جواهر، ۱۷/۳۲۸ و ۳۶۳؛ عاملی، ۷/۸۸؛ محقق کرکی، ۳/۱۰۹).

دلیل آنان روایات متعددی است که در این باب وجود دارد؛ از جمله دو صحیحۀ زیر که از امام جعفر صادق نقل گردیده است:

الف: صحیحۀ سعید بن عبدالله اعرج: «عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْرَجِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّرْوَةِ، أَيُحُجُّ عَنِ الْمَيِّتِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا لَمْ يَجِدِ الصَّرْوَةَ مَا يُحُجُّ بِهِ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُحُجَّ مِنْ مَالِهِ...» (حرّ عاملی، ۱۱/۱۷۲). این حدیث از جهت سند، صحیح و بلا اشکال است. از جهت دلالت، جمله «إِذَا لَمْ يَجِدِ الصَّرْوَةَ مَا يُحُجُّ بِهِ» و همچنین جمله «فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُحُجَّ مِنْ مَالِهِ»

دلالت دارند بر این که هرگاه کسی حج واجب بر ذمه داشته باشد، نمی‌تواند نایب دیگری شود. بنابراین، او یک تکلیف بیشتر ندارد و آن انجام حج واجب خویش است. با این حال، اگر تخلف کند و نیابت شخص دیگر را بر عهده بگیرد و حج او را انجام دهد، عملش باطل است (امام خمینی، ۱/۳۳۲). و در این صورت، نه برای منوب عنه محسوب می‌شود و نه برای نایب؛ زیرا عمل او مشروعیتی نداشته و برای جواز و صحتش دلیلی وجود ندارد. ب: تعداد اندکی از فقها، به ویژه فقهای معاصر، حکم به صحت عمل نایب داده‌اند (یزدی، ۲/۵۰۴؛ خونی، موسوعة الإمام الخوئی، ۱۱/۲۷). آنان معتقدند این مسئله از صغریات باب تراحم است که هر یک از متزاحمین به تنهایی حکم جواز دارند، لیکن در یک نقطه تلاقی کرده و مزاحم همدیگر شده‌اند.

این اختلاف نظرها در جایی است که شخص توان مالی و جسمی و سایر شرایط رفتن به مکه را داشته باشد، اما اگر از انجام حج خود ناتوان باشد و یا حج نذری و حج اجاره‌ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می‌تواند نیابت کس دیگر را بر عهده بگیرد؛ مثلاً کسی که از قبل استطاعت مالی داشته ولی از نظر جسمی ناتوان و یا بیمار بوده و بدین جهت حج خویش را به انجام نرسانده، لیکن بعدها عافیت یافته و توان جسمی برای انجام حج را پیدا کرده، لیکن دیگر استطاعت مالی ندارد و بضاعت وی برای انجام حج ناچیز است و کفاف رفت و برگشت او را نمی‌کند. در این صورت می‌تواند نایب کس دیگر شود. همچنین کسی که شرایط حج وی کامل نشده، گرچه صروره (حج ناکرده) هم باشد، می‌تواند نایب کس دیگر قرار گیرد (محقق حلی، ۱۰/۱۶۹؛ فاضل آبی، ۱/۳۳۰). در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت منوب عنه را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی.

تفاوت بین عذر طاری و عذر غیر طاری

عذر غیر طاری یا عذر قبلی، به موردی گفته می‌شود که نایب پیش از احرام می‌داند معذور است. عذر طاری و یا عذر حادث، عذری است که پیش از احرام وجود نداشته و بعد از آن که شخص محرم شد به وجود می‌آید. فقهای معاصر بر خلاف فقهای گذشته، بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفاوت قائل شده و غالب آنان به فتوا و یا به احتیاط واجب درباره عذر غیر طاری فرموده‌اند: اگر کسی معذور از انجام اعمال حج باشد، نمی‌تواند نایب کسی در حج شود و اگر نیابت کند اکتفا به حج وی مشکل است و مجزی از منوب عنه نخواهد بود. اما درباره عذر طاری، نظر واحدی بین آنان نیست و در مجموع، چندین گفتار از ایشان نقل شده که می‌توان همه آن‌ها را در چهار قول به شرح زیر بیان کرد:

۱- امام خمینی (محمودی، مسئله ۱۰۷ و ۱۶۰) و برخی از فقها که حاشیه بر نظر معظم له ندارند، می‌فرمایند: شخص اگر در انجام بعضی از اعمال عذر داشته باشد (اعم از عذر طاری و عذر غیر طاری) نمی‌توان وی را اجیر کرد و اگر تبرعی نیز انجام دهد، اکتفا کردن به آن مشکل است (محمودی، مسئله ۱۰۷ و ۱۶۰). دلیل این قول آن است که ادله نیابت شامل معذور نیست و برای جواز نیابت معذور دلیل دیگری نیز وجود ندارد اما از اینکه دلیلی وجود دارد مبنی بر اینکه خود مکلف در اثنای عمل اگر با عذری مواجه شود، جایز است استنابه نماید، این دلیل مخصوص خود مکلف است و سرایت آن به نایب، دلیل و بین‌های می‌خواهد که موجود نیست.

۲- خوئی، تبریزی، مکارم شیرازی و نوری همدانی بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفصیل قائل شده‌اند؛ به این معنا که در عذر طاری عمل نایب صحیح و مجزی از منوب عنه می‌باشد، ولی اگر عذرش غیر طاری باشد، نیابتش صحیح نبوده و مجزی نخواهد بود (خوئی، تبریزی، مکارم شیرازی و نوری همدانی). گلبایگانی نیز همین نظر را دارد با این تفاوت که در عذر غیر طاری فرموده‌اند بنا بر احتیاط، نیابت معذور صحیح نیست.

به هر روی، دلیل این قول آن است که مقتضای قاعده اولی، لزوم استنابه در عمل تام است و فرض هم بر این است که منوب عنه قادر است نایبی را برگزیند که عمل تام را انجام دهد، بدین جهت نوبت به استنابه در عمل ناقص نمی‌رسد. اما در عذر طاری، که در اثنای عمل حادث می‌گردد، عموم ادله نیابت برای معذور در اثنای عمل، شامل آن می‌گردد؛ یعنی اگر خود شخص در اثنای عمل، معذور از انجام برخی اعمال می‌شد، ادله‌ای دلالت دارند که در این مورد استنابه جایز است. همان ادله، شامل عذر حادث نایب نیز می‌گردد. علاوه بر آن، حدوث عذر در اثنای عمل، با تمام اقسام و گونه‌های مختلفش، امر متعارفی است و بدین جهت، مندرج در عموم ادله نیابت و استنابه می‌باشد (بحرانی، ۲/۲۶). شیخ جواد تبریزی نیز به همین دو دلیل اشاره کرده، فرموده‌اند: «نعم لو طرء الاضطراب علی النائب أثناء العمل فی الحج لا یبعد الالتزام بالاکتفاء به، لان ما ورد فیمن طرء علیه الاضطراب أثناءه یعم النائب عن الغیر فی حجة، مع ان طریانه امر عادی فی الحج و عدم التعرض لبقاء العمل علی عهده المنوب عنه مقتضاه الاجزاء» (تبریزی، صراط النجاة، ۱/۲۱۹).

۳- سیستانی از دو جهت قائل به تفصیل شده‌اند؛ یکی از جهت «طاری و غیر طاری» و دیگری از جهت «اختیار و عدم اختیار در ترک عمل»؛ بدین جهت فرمودند: اگر عذرش غیر طاری باشد، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند اجیر شود و حتی اگر به صورت تبرعی هم انجام دهد، اجزاء از منوب عنه اشکال دارد. اما اگر عذر وی طاری است و عمل مورد نظر، عملی است که ترک اختیاری آن (مانند طواف نساء،

بیتوته در منی، رمی جمره روز یازدهم و دوازدهم) مبطل نیست، نیابتش صحیح است و مجزی از منوب عنه می باشد. ولی اگر عمل مورد نظر، عملی است که ترک اختیاری آن مبطل حج است (مانند احرام، وقوف در عرفات و وقوف در مشعر)، معذوریت در آن موجب بطلان عمل و عدم اجزاء از منوب عنه خواهد بود (مسئله ۱۱۳). شاهرودی نیز شبیه همین تفصیل را بیان نموده، فرمودند: «يُمْكِنُ أَنْ يُقَالَ بِالتَّفْصِيلِ بَيْنَ الْأَعْذَارِ: بَأَنَّ يُقَالَ بِجَوَازِ اسْتِنَابَةِ الْمَعْذُورِ فِي تَرْكِ بَعْضِ الْأَعْمَالِ إِنْ كَانَ الْمَعْذُورُ فِيهِ مِمَّا تَقْبَلُ النَّيَابَةَ، وَبَعْدَمِ جَوَازِ اسْتِنَابَتِهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ قَابِلًا لَهَا» (۲/ ۳۵).

به هر روی، دلیل تفصیل اول این گفتار، همان دو دلیلی است که در قول دوم بیان شد. اما دلیل تفصیل دوم این است که برخی از اعمال حج، نیابت پذیر نیست، حتی اگر برای خود مکلف هم واقع شود، نمی تواند استنابه کند و لاجرم حج وی باطل می شود؛ مثلاً اگر معذور از محرم شدن باشد و یا نتواند وقوفین (حتی اضطراری) را درک کند، حجش باطل است و نایب نیز که قائم مقام منوب عنه است، بی تردید همین حکم را خواهد داشت.

۴- به نظر آیت الله خامنه ای؛ اگر عذر طاری منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود؛ مثلاً در ارتکاب بعضی از ترک معذور باشد، در چنین صورتی اشکالی در نیابت نایب به وجود نمی آید، لیکن اگر عذر وی منجر به نقص در اعمال شود، بطلان اجاره بعید نیست و احوط، مصالحه بین نایب و منوب عنه در اجرت و اعاده حج برای منوب عنه است (مناسک حج).

آیت الله بهجت نیز فرموده اند: بنا بر احتیاط، با تمکن از استیجار غیر معذور، نمی توان معذور را اجاره کرد، بلکه اگر شخص معذور تبرعاً نیابت از منوب عنه نماید، اکتفا کردن به عمل وی مشکل است. اما اگر در اجتناب از برخی محرمات (مانند ترک تظلیل) مضطر باشد، اجیر گرفتن و یا نایب گرفتن چنین شخصی اشکالی ندارد (مناسک حج و عمره، مسئله ۱۱۰). این قول، در واقع به قول اول بر می گردد که نیابت معذور، حتی معذوری که در اثنای عمل مبتلا به عذر شده باشد، باطل است و مجزی از منوب عنه نخواهد بود. تنها تفاوت این گفتار با گفتار اول، در معذوریت نایب از ترک برخی از محرمات است. دلیل این گفتار همان دلیل قول اول است که بیان شد و دلیل عدم بطلان حج نایب با ارتکاب برخی از محرمات را از ادلة دیگر می توان شمرد. به نظر می رسد تمام اقوال و نظرات فقها، به دو مطلب و گفتار بر می گردد؛ «صحت استنابه و اجزاء از منوب عنه» یا «بطلان نیابت و عدم اجزاء از منوب عنه». هیچ یک از قائلین این دو گفتار، دلیل خاصی برای نظریه خود ندارند و هر دوی آن ها اکتفا به عموماً نیابت کرده اند؛ منتهی یکی می گوید: این عموماً اطلاق دارد و معذور در اثنای عمل را شامل می شود و دیگری چنین اطلاقی را نفی می کند، لیکن حق این است که عموماً معجز نیابت، شامل عذر طاری و حادث می گردد زیرا:

اولاً، در هنگام اجاره و یا هنگام احرام نایب (در نیابت تبرعی)، عذری وجود نداشته که اجاره و یا احرام بر باطل منعقد شده باشد و بدین جهت نایب، واجد شرایط نیابت بوده است. ثانیاً، عذر در حین عمل، مسئله‌ای است عام‌البلوی و ممکن است برای هر حج‌گزاری (اعم از خود مکلف و نایب) پیش آید و شرع مقدس اسلام برای چنین موردی، حکم خاص دارد که توسط ائمه بیان شده و آن عبارت است از استنباه در همان عملی که حج‌گزار، معذور از انجام آن است. از این جهت، تفاوتی بین خود مکلف و نایب نیست و ادله موجود خصوصیتی از این جهت ندارد که شامل بعضی باشد و بعضی دیگر نباشد. مگر در اعمالی که نیابت پذیر نباشند؛ مانند احرام و وقوفین و مانند آنها که در این صورت نیز تفاوتی بین خود مکلف و نایب نیست و در هر دو صورت، حج باطل و مجزی نمی‌باشد. ثالثاً اگر نایب در انجام حج با عذری مواجه شود که نتواند برخی از اعمال را انجام دهد و حکم به بطلان نیابت وی گردد، موجب عسر و حرج برای طرفین به وجود می‌آید.

وجوب طواف مباشری بر معذورین

از نصوص معتبر و فتوای فقها، از قدما تا متأخرین و تا معاصرین، به خوبی می‌توان این مطلب را برگرفت که وظیفه اولی معذورین در صورت تمکن، طواف مباشری است و لو با استعانت از دیگران، و هرگز طواف نیابی برای آن‌ها مجزی نیست. اقوال فقها:

عدم کفایت طواف نیابی و ضرورت و لزوم طواف مباشری است برای معذورینی که تمکن از طواف مباشری دارند، و لو با اطافه دیگری، و این مورد وفاق فقها است، به طوری که پس از تتبع گسترده، مخالفی در مسئله یافت نشد. اکنون به برخی از عبارات و متون قدما و غیر آنها می‌پردازیم:

شیخ الطائفه، طوسی در نهاییه: «والمريض الذي يستمسك الطهارة فإنه يطاف به ولا يطاف عنه وإن كان مريضاً مما لا يمكنه معه استمسك الطهارة ينتظر به، فإن صلح طاف هو بنفسه وإن لم يصلح طيف عنه ويصلى هو الركعتين وقد اجزأه» (۲۳۹). همو در مبسوط: «والمريض على ضربين؛ أحدهما يقدر على امسك طهارته، و الآخر لا يقدر عليه، فالأول يطاف به و لا يطاف عنه و الثاني ينتظر به زوال المرض» (سبحانی، المبسوط فی أصول الفقه، ۳/ ۵۱۳؛ آخوند خراسانی، ۱/ ۳۵۸). دو عبارت یاد شده، با صراحت کامل، حاکی از این حقیقت است که از نگاه شیخ طوسی، با تمکن معذور از طواف مباشری و لو با استعانت از دیگری، طواف نیابی کافی نیست و واجب است خودش طواف را انجام دهد.

۱- محقق حلی در شرایع: «و کذا لو مرض فی اثناء طوافه و لو استمر مرضه بحيث لا يمكن أن يطاف

به، طيف عنه».

۲- ابن حمزه در وسیله: «و المريض ضربان؛ إمّا أمكنه امساک الطهارة، أولم يمكنه؛ فالأول طاف به ولیه و إن نوى لنفسه طوافاً و صحَّ و الثانی انتظر ولیه به، يوماً أو یومین، فإن برأ طاف و إن لم یبرأ أمر من یطوف عنه و صلّى هو بنفسه» (ابن حمزه، ۳۵۹).

۳- ابن ادریس در سرائر: «و المريض الذی یستمسک الطهارة فإِنَّه یطاف به و لا یطاف عنه و إن کان مرضه ممّا لا یمكنه معه استمساک الطهارة، ینتظر به، فإن صلح طاف هو بنفسه و إن لم یصلح طیف عنه و یصلّى هو الرکعتین و قد أجزأه» (خونی، موسوعة، ۳/۵۳۳).

فقیه جواهری نیز فتوای محقق را مبرهن ساخته و بدین سان با او موافقت نموده و به وجود مخالفی در مسئله اشاره نکرده است. حکم یاد شده، مورد توافق فقهای معاصر و مراجع تقلید نیز می‌باشد؛ همچنان که در مناسک امام راحل (مسئله ۵۳۷) آمده است: «اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است، خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند، اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.» هیچ یک از فقهای که حاشیه در مناسک دارند، بر عبارت مذکور حاشیه‌ای نیاورده و بدین سان با فتوای امام راحل موافقت کرده‌اند (حر عاملی، ۸/۲۵۵، باب ۴۰ از ابواب طواف، حدیث ۴). مستند فتوای مورد وفاق، که اشاره شد، روایات معتبری است که در این باره وارد شده مانند روایت صفوان بن یحیی که گفت:

«سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) عَنِ الرَّجُلِ الْمَرِيضِ يُقَدِّمُ مَكَّةَ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَلَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، قَالَ: يَطَافُ بِهِ مَحْمُولًا يَخْطُ الْأَرْضَ بِرِجْلَيْهِ حَتَّى تَمَسَّ الْأَرْضَ قَدَمَيْهِ فِي الطَّوَافِ، ثُمَّ يَوْقِفُ بِهِ فِي أَصْلِ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ إِذَا كَانَ مُعْتَلًّا» (حر عاملی، ۹/۴۵۵، باب ۴۷ از ابواب طواف، حدیث ۲). و نیز موقّعة اسحاق بن عمار، به نقل از ابوالحسن (ع) در حدیثی که گوید از حضرت پرسیدم: «الْمَرِيضُ الْمَغْلُوبُ يَطَافُ عَنْهُ؟ قَالَ: لَا وَلَكِنْ يَطَافُ بِهِ» (همو، ۹/۳۲۲، باب ۶۳ از ابواب طواف، حدیث ۱).

در این دو روایت معتبر و اخبار معتبر دیگر، که در این باب وارد شده و در باب ۴۷ از ابواب طواف و سائل الشیعه گرد آمده، با صراحت کامل از وظیفه مریضی پرسیده شده که به تنهایی قادر به طواف نیست و امام (علیه السلام) در پاسخ، طواف نیابی را نفی کرده و وظیفه او را متعین در این نموده که طواف مباحثی انجام دهد، منتهی چون خود او، به حسب فرض، متمکن نیست، دیگری باید او را طواف دهد. با در نظر داشتن آنچه آمد، به این نتیجه دست می‌یازیم که از منظر نصوص معتبر و فتاوی اصحاب، اعم از قدما و متأخرین و معاصرین، وظیفه اولی معذورانی که توان ندارند به تنهایی طواف مباحثی انجام دهند،

باید با استعانت از دیگران، طواف را بالمباشره بجا آورند و هرگز طواف نیابی برای آن‌ها مجزی نیست. ولی نکته قابل توجه این است که بی‌شک فتوای اصحاب و نصوص معتبر مذکور، ناظر به صورتی است که اطافه و طواف دادن شخص معذور به وسیله دیگری، در مداری باشد که عنوان «طواف الکعبه» بر آن صدق کند. اما در صورتی که از این مدار خارج باشد، بطوری که با قطع و یقین عنوان مذکور صدق نکند یا مشکوک باشد، طوافی نیابی، به صورت فتوا یا احتیاط واجب، بایسته است (راغب اصفهانی، ۲۸۷).

نتیجه‌گیری

همان طور که تشریح شد برای معذورین می‌شود موارد متعددی همچون کسانی که خدمات زائران را برعهده دارند یا کسانی که بیمار می‌شوند و یا کسانی که قربانی کردن بلد نیستند و موارد دیگر.... حال تکلیف این افراد چیست؟ آیا می‌توانند برای انجام تکالیف حج نایب بگیرند یا خیر؟ برخی فقها بیان کرده‌اند افرادی که حج واجب خود را بجا نیاورده‌اند و مستطیع هستند، نمی‌توانند نیابت بپذیرند و کسانی که از انجام دادن کامل اعمال حج، معذور باشند، و از ابتدا می‌دانند که باید وظیفه معذور را انجام دهند، نمی‌توانند نیابت بپذیرند. به فتوای حضرت امام خمینی و برخی از فقهای بزرگوار، اگر از ابتدا هم معذور نباشد و در هنگام عمل عذری برایش پیش آید، نیابت فرد صحیح نیست. اما برخی فقها بیان کرده‌اند که فرد می‌تواند از جانب خود نایب بگیرد. این اختلاف نظرها در جایی است که شخص توان مالی و جسمی و سایر شرایط رفتن به مکه را داشته باشد، اما اگر از انجام حج خود ناتوان باشد و یا حج نذری و حج اجاره‌ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می‌تواند نیابت کس دیگر را برعهده بگیرد. به طوری که اگر کسی از قبل استطاعت مالی داشته ولی از نظر جسمی ناتوان و یا بیمار بوده و حج خویش را به انجام نرسانده، لیکن بعدها عافیت یافته و توان جسمی برای انجام حج را پیدا کرده، لیکن دیگر استطاعت مالی ندارد و بضاعت وی برای انجام حج ناچیز است و کفاف رفت و برگشت او را نمی‌کند. در این صورت می‌تواند نایب کس دیگر شود. همچنین کسی که شرایط حج وی کامل نشده، گرچه صروره (حج ناکرده) هم باشد، می‌تواند نایب کس دیگر قرار گیرد. در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت دیگری را برعهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی. چرا که نظریه، نیابت در اعمال عبادی خلاف اصل است، مگر آنکه دلیلی برای آن اقامه شود. بنابراین، اگر شخص ناقص حتی به صورت تبرعی، حج منوب عنه را انجام دهد، موجب فراغ ذمه وی نمی‌گردد. در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت منوب عنه را برعهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به

شماره ۱۲۰	فقه و اصول	۱۵۰
<p>نحو تبرعی؛ و هرگاه کسی حج واجب بر ذمه داشته باشد، نمی تواند نایب دیگری شود و اگر تخلف کند و نیابت شخص دیگر را بر عهده بگیرد و حج او را انجام دهد، عملش باطل است. حال اگر شخص توان مالی و جسمی حج را داشته باشد و حج نذری و حج اجاره ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می تواند نیابت کس دیگر را بر عهده بگیرد.</p> <p>در حال حاضر فقها، بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفاوت قائل شده و غالب آنان به فتوا و یا به احتیاط واجب درباره عذر غیر طاری فرموده اند: اگر کسی معذور از انجام اعمال حج باشد، نمی تواند نایب کسی در حج شود، اما درباره عذر طاری، نظر واحدی بین آنان نیست. تمام اقوال و نظرات فقها، به دو مطلب و گفتار بر می گردد؛ «صحت استنابه و اجزاء از منوب عنه» یا «بطلان نیابت و عدم اجزاء از منوب عنه». هیچ یک از قائلین این دو گفتار، دلیل خاصی برای نظریه خود ندارند و هر دوی آن ها اکتفا به عموماً نیابت کرده اند.</p>		

منابع

- آبی، حسن بن ابی طالب، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، ۱۴۱۳ ق.
- آملی، محمد تقی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران: مؤلف، ۱۳۸۰.
- ابن حمزه، محمد بن علی، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، بی جا: ۱۴۰۴ ق.
- ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم، الکافی فی الفقه، در یک جلد، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین، ۱۴۰۳ ق.
- بحرانی، محمد سند، سند العروة الوثقی - کتاب الحج، ۴ جلد، بیروت: مؤسسة ام القرى للتحقیق والنشر، ۱۴۲۳ ق.
- بهجت، محمد تقی، مناسک حج و عمره، قم: دفتر آیت الله بهجت، ۱۳۸۷.
- تبریزی، جواد بن علی، التهذیب فی مناسک العمرة والحج، ۳ جلد، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- _____، صراط النجاة، ۷ جلد، بی جا: چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دار التفسیر، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- حلی، حسن بن یوسف، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- _____، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

بهار ۱۳۹۹	بررسی فقهی تکالیف معذورین در حج	۱۵۱
خامنه‌ای، علی، مناسک حج ، یک جلد، تهران: دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷.		
خلخالی، رضا، معمد العروة الوثقی ، محاضرات آیه‌الله خوئی، بی‌جا: ۱۴۰۵ ق.		
خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله ، اعتماد الکاظمی، تهران: ششم، ۱۴۰۷ ق.		
خوئی، ابوالقاسم، معمد العروة الوثقی ، قم: منشورات مدرسة دار العلم - لطفی، ۱۴۱۶ ق.		
_____، موسوعة الإمام الخوئی ، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.		
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن ، تهران: چاپ محمد سید کیلانی، ۱۳۲۲.		
زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی وادلتہ ، دمشق: ۱۴۰۹ ق.		
سبحانی، جعفر، الحج فی الشریعة الإسلامیة الغراء ، قم: مؤسسة امام صادق، ۱۴۲۴ ق.		
_____، المبسوط فی أصول الفقه ، بی‌جا: ۱۴۱۰ ق.		
سیستانی، علی، مناسک حج ، در یک جلد، قم: دفتر آیت الله سیستانی، ۱۴۳۰ ق.		
شاهروزی، محمود، کتاب الحج ، قم: مؤسسة انصاریان، ۱۳۶۹.		
شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه ، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.		
شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام ، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ ق.		
صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام ، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ ق.		
صافی گلپایگانی، لطف‌الله، فقه الحج ، قم: مؤسسة حضرت معصومه، ۱۴۲۳ ق.		
طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه ، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق.		
عاملی، محمد بن علی، مدارك الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام ، بیروت: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۹ ق.		
فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله - کتاب الحج - بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.		
کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، كشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثه)، ۴ جلد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ ق.		
محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام ، قم: مؤسسة اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.		
محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد ، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۴ ق.		
محمودی، محمدرضا، مناسک حج امام خمینی (محتسبی) ، در یک جلد، تهران: نشر مشعر، ویرایش جدید، ۱۳۸۰.		
مکارم شیرازی، ناصر، مناسک جامع حج ، در یک جلد، قم: انتشارات مدرسة الإمام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۶ ق.		